

وطنم خصم ترا

وطنم خصم ترا، محو و فنا می خواهم
دوستانت همه را، شاد و بقا می خواهم
دردهای غم هجران به کی گویم، مادر؟
ختم هجران ترا، صبح و مسا می خواهم
هیچ کشور به جهان مثل تو در قلبم نیست
گور خود جنب پدر، زیارت شامی خواهم
چه خوش آنوقت که در سایه مهرت بودم
باز گشتم به وطن را، ز خدا می خواهم
چه بد آنروز که پایم ز حریمت بیرون شد
از خدا دیدن خاکت، زود و بجا می خواهم
حیف و صد حیف که ترا قدرت دیدارم نیست
باز دیدار تو مادر، به دعا می خواهم
شب یلدا که یادم، زیغمان آید
رفتم باز به پغمان، زیکتا می خواهم
تا بکی "حیدری" از یاد وطن می سوزی؟
صلح را در وطنت، به التجا می خواهم

پوهنوال ډاکټر اسدالله حیدری

۱۳، ۶، ۲۰۲۲، سډنی